اعلی درجه انفتاح باب علم در کلام کاشف الغطاء

یکی از بحث‌هایی که مانده بود، این بود: آیا در قرن چهارم روایات تصفیه شد یا نشد؟ اگر علماء تصفیه کرده‌اند، مرحوم شیخ الطائفه با تهذیب کار آن‌ها را خراب کردند یا نکردند؟ بحث‌هایی شد. یکی از محتملاتی را آقا ارسال کرده‌اند. در جلسه سیصد و هشت ارسال شده است. چون بحث خوبی است گفتم آن را مطرح کنم. از مرحوم کاشف الغطاء عباراتی آورده‌اند. من آن را می‌خوانم تا روی آن تأمل کنید. حاج آقا هم این عبارت مرحوم کاشف الغطاء را زیاد نقل می‌کردند. یعنی از یک بزرگی مثل آشیخ جعفر است. عباراتی این قدر رسا است. حاج آقا هم می‌پسندیدند و زیاد می‌گفتند.

> **ينبغي للفقيه إذا حاول الاستدلال على مطلب من المطالب الفقهية أن يتخذ الأدلة الظنية من الأخبار و غيرها من الطرق الشرعية الظنية ذخيرة لوقت الاضطرار و فقد المندوحة لأنه غالبا غني عنها بالآيات القرآنية و الأخبار المتواترة المعنوية و السيرة القطعية المتلقاة خلفا بعد سلف من زمان الحضرة النبوية و الإمامية إلى يومنا هذا و ليس مذهبنا أقل وضوحا من مذهب الحنفية و الشافعية و الحنبلية و المالكية و الزيدية و النواوسية و الواقفية و الفطحية و غيرهم فإن لكل طائفة طريقة مستمرة يتوارثونها صاغرا بعد كابر بل أهل الملل مهما عدا المسلمين على بعد عهدهم عن أنبيائهم الماضين لهم طرائق و سير يمشون فيها على الأثر و لا يصغون إلى إنكار من أنكر [1]**

«ينبغي للفقيه إذا حاول الاستدلال على مطلب من المطالب الفقهية أن يتخذ الأدلة الظنية من الأخبار و غيرها من الطرق الشرعية الظنية ذخيرة لوقت الاضطرار و فقد المندوحة»؛ استدلال به اخبار و ظنیات برای وقت اضطرار است. فقیه اینها را باید برای وقت اضطرار بگذارد. «لأنه غالبا غنيٌ عنها بالآيات القرآنية و الأخبار ...».

شاگرد: ایشان است که دست به لحیه می‌زدند و می‌گفتند: «ما بینی و بین اللوح المحفوظ...»، باید اینطور بگویند.

استاد: بله، حاج آقا نظیرش را می‌گفتند. می‌گفتند بحث مرحوم کاشف الغطاء به حجیت خبر واحد از آیه نباء رسید. ایشان گفتند خب یکی از ادله ای که علماء برای حجیت خبر واحد ذکر کرده‌اند، آیه شریفه نباء است. علماء در دلالت آیه نباء بر حجیت خبر واحد بیست و پنج اشکال کرده‌اند. بعد فرمودند ما می‌گوییم آیه که دلالت دارد. حالا برای بحث علمی اشکالات آقایان را هم می‌خوانیم. یعنی این قدر واضح است که ما در کلاس بگوییم بیست و پنج اشکال کرده! ما اول می‌گوییم آیه دلالت دارد و تمام. حالا برای اینکه بخوانیم، بحث می‌کنیم. حاج شیخ جعفر اینطور

بودند. آقازاده ایشان هم موسی بزرگ بودند. داماد ایشان هم آشیخ اسدالله تستری است که ایشان هم اعجوبه‌ای است. حاج آقا می‌فرمودند استاد ما می‌فرمود در جامعیت بین تتبع و تحقیق، چند نفر هستند که یکی از آن‌ها مال اسدالله است؛ صاحب مقابس و صاحب کشف القناع. باید این عبارت شیخ را بررسی کنیم. به گمانم ابتدا به ساکن یک درک خامی از این حرف هست. باید رفت‌وبرگشت شود تا ببینیم.

شاگرد: جامعیت ِبین تتبع و تحقیق یعنی چه؟

استاد: جامعیت بین تتبع و تحقیق یعنی عده ای متتبع هستند یعنی اقوال را مستحضرند مفصّل، اما تحقیق یعنی مطلب را زیر و رو می کنند جامعیت یعنی هم اقوال را مفصّل دیده اند هم ملّا هستند.

شاگرد: تقیه برای اهل البیت واضح است، کسی که می‌خواهد با اهل البیت تمسک کند نمی داند باید مقابل آن‌ها بایستد یا نه، باید به کدام سیره اخذ کند؟

استاد: عرض کردم باید به آن منظومه نگاه کند. چون تمام معصومین یک منظم را به ما القاء کرده‌اند. هر کسی بیّنه و بین الله این منظومه را دارد، طبق وظیفه فعلیه اش عمل می‌کند. صاحب التقیه اعلم به‌ها. یعنی یک مومنی با آن چیزی که دارد می‌بیند وظیفه اش در اینجا تقیه است. و دیگری می‌بیند نیست. صاحب التقیه یعنی کسی که می‌خواهد اجرای وظیفه عملی کند، او بیشتر تمام خصوصیات دستش هست. کبری را می‌داند و به صغری هم مستحضر است. کبری و منظومه را روی صغری و محل ابتلائش تطبیق می‌دهد، بیّنه و بین الله هر چه وظیفه اش شد را عمل می‌کند.

والحمد لله رب العالمین

---

[1] کشف الغطاء، ص ۳۹

بازبینی #2
ایجاد شده 29 نوامبر 2025 13:17:56 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 فوریه 2026 14:54:02 توسط ... .